

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2021S4D16SH5M94 ISSN-P: 2538-3701

تأثیر قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ بر کیفرزدایی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

زهرا میرزایی یزدی^۱
سید اسماعیل موسوی

چکیده

با توجه به ناکارآمد بودن مجازات زندان در اصلاح و بازپروری زندانیان، همچنین به دلیل آسیب های ناشی که موجب افزایش جمعیت کیفری زندان ها شده است، دست اندرکاران نظام عدالت کیفری را بر آن داشته است تا استفاده از مجازات را تا حد امکان محدود نماید. بر این اساس، با توجه به اینکه قانون مجازات موادی را در راستای مجازات جایگزین مقرر نموده است، ولیکن تابحال به علت کاستی و نقص از کارآیی بسزایی برخوردار نبوده است. بر این اساس، قانون کاهش حبس تعزیری با هدف کیفرزدایی در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۲۴ به تصویب رسید. این قانون، ضمن کاستن از مجازات (نه فقط زندان) برخی جرایم تعزیری، بسیاری از مفاهیم و نهادهای حقوق کیفری یا قلمرو آنها مانند جرایم قابل گذشت، تعدد جرم، تکرار جرم، مصادیق خاص شروع جرم و معاونت در جرم، تقلیل مجازات، تبدیل مجازات، تعلیق مجازات، جایگزین های حبس، مجازات تکمیلی، نظام نیمه آزادی، نظارت با سامانه های الکترونیکی، انشاء حکم و صلاحیت دادگاه ها را تغییر داد. پژوهشگر در پژوهش حاضر بر آن است تا با بررسی قانون مذکور به تأثیراتی که قانون فوق بر کیفرزدایی دارد، پرداخته و با تطبیق قانون مجازات برتری این قانون را به اثبات برساند.

واژگان کلیدی: زندان، زندان زدایی، کیفر، کیفرزدایی، جرایم تعزیری

^۱ نویسنده مسئول



بخش اول: کلیات

در علم کیفر شناسی برای مجازات حبس آثار زیانباری برای فرد مرتکب جرم و خانواده او و جامعه ذکر شده است و برخی کیفر شناسان معتقدند منافع مجازات حبس کمتر از زیان ها و هزینه هایی است که مجازات حبس بر فرد مرتکب و خانواده او به ویژه جامعه وارد می کند. این امر در کشورهای توسعه یافته موجب گردیده قانونگذار به جای استفاده از مجازات حبس در جرایم غیرسنگین از مجازات های کم هزینه و پر فایده و اصلاح پذیر تحت عنوان مجازات های جایگزین حبس از قبیل اجبار به خدمات اجتماعی رایگان یا محرومیت از حقوق اجتماعی یا پرداخت جزای نقدی استفاده می کنند. در سال ۱۳۹۲ قانونگذار ایران هم با تصویب قانون مجازات اسلامی در فصل نهم از مواد ۶۴ تا ۸۷ به مجازات های جایگزین حبس اشاره کرده است. البته به علت آشفتگی و ناهمگنی در قوانین جزای ایران به ویژه قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و در استفاده از مجازات حبس به عنوان مجازات اصلی برای اکثر جرایم و آن هم با حبس های طویل المدت، در عمل استفاده از مجازات های جایگزین حبس نادیده گرفته شده و حتی عادت و رویه مجریان قانون در استفاده آسان از مجازات حبس علیه مجرمین، موجب شکست نیت قانونگذار در اعمال مجازات های جایگزین حبس شده است. به ناچار برخی نمایندگان مجلس دهم به ویژه اعضای حقوقدان کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس چون در عمل شاهد عدم استفاده از مجازات های جایگزین حبس در دستگاه قضایی شده اند و از طرفی با افزایش جمعیت زندانیان و سرانه بالای هزینه اداره زندان در بودجه عمومی کشور مواجه شده اند، با هدف کاهش جمعیت زندانیان و صرفه جویی در هزینه های بودجه عمومی کشور طرح تقلیل مجازات حبس را مدون و با فراز و نشیب های فراوان و دخالت قوه قضاییه و شورای نگهبان، نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۹/۳/۷ در ماده ۱۵ «قانون کاهش مجازات حبس تعزیری» به تایید شورای محترم نگهبان رسیده و جهت اجرا به دولت ابلاغ شده است. قانون اصلاحی مذکور در حوزه آیین دادرسی کیفری، حقوق جزای عمومی و جزای اختصاصی تغییرات محسوسی را در راستای کاهش مجازات حبس و نیز تغییر ارکان تعقیب متهمان و شرایط تشدید مجازات در تعدد و تکرار جرم و استفاده از کیفیات مخففه ایجاد کرده است که به

اختصار این تغییرات ذکر می‌گردد. در حوزه آیین دادرسی کیفری؛ این قانون تحت تاثیر آموزه های «مکتب عدالت ترمیمی» نقش بزه دیده را در تعقیب و محاکمه و مجازات مجرم بارز دانسته است و اکثر جرایم تعزیری را جزو جرایم قابل گذشت تلقی و طی ماده ۱۱ آن نسبت به اصلاح و افزایش جرایم قابل گذشت مندرج در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی اقدام شده است با ملاحظه موارد اصلاحی مشخص می‌گردد بیشتر جرایم علیه اموال و مالکیت و جرایم علیه حیثیت اشخاص، وصف جرایم قابل گذشت پیدا کرده است. جرایمی از جمله جعل سند، استفاده از سند مجعول، تخریب، تحریق، تصرف عدوانی علیه اشخاص خصوصی، استفاده از ضعف نفس، استفاده از سفید امضاء، اجبار و اکراه و تهدید برای اخذ نوشته و سند و امضاء، خیانت در امانت، سرقت ساده مال مسروقه کمتر از ۲۰ میلیون تومان و جرایم انتقال مال غیر و کلاهبرداری تا ۱۰۰ میلیون تومان و کلیه جرایم در حکم کلاهبرداری و جرایم علیه حیثیت اشخاص از جمله توهین به اشخاص عادی نشر اکاذیب و افترا و سایر جرایم مندرج در ماده ۱۱ این قانون به عنوان جرایم قابل گذشت محسوب شده است. این اصلاحیه بزرگ قانونی موجب تغییر در حوزه آیین دادرسی کیفری به ویژه در ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری گردیده و تعقیب متهمان جرایم ارتكابی فوق الاشعار را منوط به شکایت شاکی خصوصی نموده و با رضایت و گذشت شاکی در مرحله رسیدگی موجب صدور «قرار موقوفی تعقیب و در مرحله اجرا موجب صدور قرار موقوفی اجرا» خواهد شد.



بند اول: مفهوم اصطلاحی جرم

در اصطلاح، علی‌رغم تعاریف زیادی که از جرم شده هنوز هم این موفقیت بدست نیامده تا از جرم، آن چنان تعریفی به عمل آید که مورد قبول همه گان قرار گیرد و در زمان و مکان واجد ارزش باشد و دلیل این امر نیز این است که پدیده ی جرم بر حسب نظر دانشمندان و محققان دارای مبانی و صور گوناگون بوده، به سخنی دیگر، آن چه که از نظر یکی جرم محسوب می‌شود بر حسب دیگری نه تنها ممکن است عنوان جرم به خود نگیرد، بلکه امکان

دارد که حتی عملی پسندیده به شمار آید^۱. «عده ای از حقوق دانان معتقدند که نقص قانون هر کشوری در اثر عمل خارجی در صورتی که انجام وظیفه یا اعمال انرا تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد، جرم نامیده می شود»^۲ البته برخی حقوقدانان با تقسیمات جرم به کیفری، مدنی و قضایی، به تعریف جرم کیفری به معنای عام، اشاره نموده و آن را اینگونه تعریف نموده اند: جرم کیفری عبارتست از هر فعلی که به موجب قوانین کیفری انجام دادن و یا ترک آن با مجازات مقرر توأم باشد؛ مانند قتل، کلاهبرداری، سرقت، و غیره از حیث عنصر قانونی جرم کیفری بنا به اصل قانونی بودن جرایم، فعل خاصی است که در قانون تصریح شده است. و از حیث عنصر مادی جرم کیفری ممکن است مستقل از زیان و خسارتهای مادی تحقق یابد.^۳

بند دوم: مفهوم زندان

یکی از مجازات ها^۴ که برای مقابله با جرایم در جوامع مختلف بشری از آن استفاده می شود و در اکثر کشورهای جهان از مهم ترین ابزارهای دفاع اجتماعی در مقابل پدیده جرم و شخص مجرم به حساب می آید، زندان است.^۵ این واژه در لغت با کسر «ز» به معنی بندیکانه^۶ و جایی که محکومان و تبهکاران را در آنجا نگاه داشته می شوند و محبس^۷ می باشد؛ بنابراین، حبس و زندان مترادف یکدیگر به کار رفته اند. میشل فوکو معتقد است: زندان محلی است که محکومین را در جهت امنیت اجتماعی و رعایت حقوق شاکی اعم از خصوصی یا عمومی و به منظور اصلاح و تربیت یا مجوز قضایی در آن نگهداری می کنند.^۸ برخی نویسندگان حقوق کیفری نیز در تعریف زندان را در معنای عام کلمه، محلی می دانند که در آنجا متهمان یا

۱- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر ژوبین، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۴، ج اول، ص ۲۱۳.

۲- تاج زمان، دانش، مجرم کیست جرم شناسی چیست؟، موسسه کیهان، ۱۳۶۴، ص ۴۳.

۳- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، پاییز ۱۳۸۶، ج اول، ص ۱۲۱؛ شامبیاتی، پیشین، ج اول، ص ۲۲۶.

۴- Sanctions

۵- مجیدی بیدگلی، کبری و سمیه صفاکیش کاشانی، «آسیب‌های ناشی از مجازات زندان»، فصلنامه حقوقی گواه، شماره ۱۱، زمستان

۱۳۸۶، ص ۸۲

۶- محمد پادشاه متخلص به شاه، فرهنگ آندراج، تهران، نشرخیام، ۱۳۳۶، ج ۳، ص ۲۲۵۳.

۷- معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۲، صص ۳۹۱ و ۵۷۳.

۸- فوکو، میشل، مراقبت و تنبیه تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران، نشرنی، ۱۳۷۹، صص ۲۹۲-۲۹۱.

محکومان کیفری با قرار یا حکم کتبی مقامات صلاحیت‌دار قانونی موقتاً یا برای مدت معین و یا به طور دائم نگهداری می‌شوند.^۱ بنابراین، زندان یکی از انواع تعزیرات و امور بازدارنده از تخلفات^۲ می‌باشد. بنابراین، منظور از زندان، محل اقامتی است که مجرمان مدت معینی از عمر خود را تحت کنترل کارکنان زندان سپری می‌کنند با این امید که مجرم در محیط بسته زندان از رفتار مجرمانه خود پشیمان شده و با کمک مددکاران اجتماعی و کارشناسان تربیتی زندان، امکان بازگشت به زندگی توأم با هم‌نوایی با هنجارها برای او فراهم شود.^۳ ماده ۳ آیین‌نامه آیین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (مصوب ۲۰/۹/۱۳۸۴) در تعریف زندان مقرر داشته «زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقامهای صلاحیت‌دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور تحمل حبس، با هدف حرفه‌آموزی، بازپروری، بازسازی نگه‌داری می‌شوند.»

بند سوم: مفهوم زندان زدایی

اصطلاح حبس زدایی (زندان زدایی) نخستین بار توسط راتمن به کار رفته است و سپس اسکال در کتابی تحت همین عنوان آن را اینگونه تعریف کرده است «اصطلاح اختصاری در مورد سیاست دولتی تعطیل تیمارستانها، زندانها و دارالتأدیب‌ها است که بر اساس آن مجانین، مجرمین و منحرفین، آزاد گردیده یا از پذیرش آنان در مخروبه‌های کیفی که به طور سنتی در آنها نگهداری میشوند، خودداری میگردد. در عوض آنان آزاد میشوند تا امکان انطباق و سازگاری در جامعه را پیدا کنند.» چنین تعریفی هم گسترده و هم پرارزش است. حبس زدایی ظاهراً نه تنها مربوط به آزاد ساختن زندانیان محکوم به حبس‌های طولی‌المدت میشود، بلکه ترخیص افرادی را نیز که بر اساس مقررات قبلی، محکوم به حبس‌های نسبتاً درازمدت می‌شوند، دربرگرفته و حتی شامل تدوین سیاستهای نگهداری و حبس کوتاه مدت موسوم به (در



^۱ - آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۸۷.

^۲ - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر موضوعی پیام قرآن، قم، مدرسه‌الامام علی بن ابی‌طالب، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۱۹۳.

^۳ - احمدی، حبیب، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، سمت، چاپ ششم، ۱۳۹۳، ص ۲۶۲.

گردان)^۱ نیز میشود که مربوط به افرادی است که بر اساس برنامه های کنترل محلی وارد اینگونه نهادها میشوند.^۲

بند چهارم: مفهوم کیفر (مجازات)

کیفر یا مجازات به تحمیل عملی رنج آور بر شخصی دیگر گفته می شود که پیامد عمل آن شخص باشد. این واژه بیشتر به تنبیهات و جریمه‌هایی اشاره دارد که مقامات قضائی برای افرادی در نظر می گیرند که مقررات مهم جامعه را پایمال کرده‌اند، یعنی مرتکب جرم شده‌اند. از انواع کیفر می توان به کیفرهای سلب کننده زندگی یعنی اعدام (مانند سنگسار و به صلیب کشیدن)، کیفرهای بدنی مانند تازیانه، کیفرهای سلب کننده آزادی مانند زندان، کیفرهای محدود کننده آزادی مانند تبعید، کیفرهای محروم کننده از حقوق مانند انواع محرومیت‌ها و ممنوعیت‌ها، کیفرهای مالی مانند جزای نقدی و مصادره اموال، کیفرهای سلب کننده آبرو مانند اعلام نام شخص در رسانه‌ها، و قصاص یعنی انجام جنایتی که شخص مرتکب شده بر خود او اشاره کرد.^۳ بنابراین، کیفر همان مجازات است؛ در اصطلاح حقوقی تعاریف متفاوتی از مجازات به عمل آمده است: « مجازات عبارت از تنبیه و کیفری است که بر مرتکب جرم تحمیل می شود. مفهوم رنج از مفهوم مجازات غیر قابل تفکیک است و در واقع رنج و تعب است که مشخص حقیقی مجازات می باشد »^۴ و یا « مجازات واکنش جامعه علیه مجرم » است.^۵ از نظر برخی حقوقدانان هدف از مجازات تنبیه مجرم می باشد؛ لذا بر این اساس در تعریف کیفر یا مجازات می توان اینگونه بیان کرد که « کیفر یا مجازات عبارت است از تعذیب و یا عقوبتی که به خاطر تعرض به نظام اخلاقی و ایجاد اختلال در نظم اجتماعی از طریق ارتکاب جرم به عمل آمده است. »^۶ برخی دیگر از حقوقدانان تاکید بر اهداف



^۱ - door-Revolving

^۲ - نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشمی، دانشنامه جرم شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷، صص ۱۲ و ۱۲۵.

^۳ - اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۳، ج ۲، صص ۱۵۱-۱۷۶.

^۴ - علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، تهران، انتشارات فردوسی، جلد دوم، ۱۳۶۸، ص ۱.

^۵ - خزایی، منوچهر، جزوه درسی حقوق جزای عمومی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۶۷، ص ۱.

^۶ - گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ دهم، ۱۳۸۴، ص ۵۳.

بازدارندگی کیفر و مجازات دارند و کیفر و مجازات را مجموعه قواعد مورد تأیید جامعه می دانند که ضامن اجرای عدالت واقعی است و سعی در هدایت مجرم اصلی و یا احتمالی، بازدارندگی دیگران از ارتکاب جرم، ارضاء فطرت عدالت خواهی مجنی علیه و حمایت از جامعه دارد که توسط قوه مقننه وضع و بوسیله قوه قضائیه به مورد اجرا گذارده می شود.^۱

بخش دوم: تأثیر قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ بر کیفرزدایی

تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری، ضمن کاستن از مجازات (نه فقط حبس) برخی جرایم تعزیری، بسیاری از مفاهیم و نهادهای حقوق کیفری یا قلمرو آنها مانند جرایم قابل گذشت، تعدد جرم، تکرار جرم، مصادیق خاص شروع جرم و معاونت در جرم، تقلیل مجازات، تبدیل مجازات، تعلیق مجازات، جایگزین‌های حبس، مجازات تکمیلی، نظام نیمه آزادی، نظارت با سامانه‌های الکترونیکی، انشاء حکم و صلاحیت دادگاه‌ها را تغییر داد. بر این اساس، در ذیل به بررسی هر یک پرداخته می شود.

بند اول: تبدیل و تقلیل مجازات

۱. تبدیل مجازات

تبدیل در لغت به معنای دگرگون کردن، بدل کردن، دگرگون‌سازی است^۲ و در اصطلاح به تغییر ماهیت مجازات به مجازاتی که مناسب‌تر به حال متهم باشد تبدیل مجازات می‌گویند.^۳ هر چند وصف مناسب‌تر در قانون تعریف نشده ولی می‌توان فهمید که منظور از آن نوعی تخفیف می‌باشد، البته تخفیفی که مناسب‌تر به حال بزهکار باشد؛ یعنی در خور و موافق بودن مجازات با وضع و حال محکوم علیه، با این فرض که مجازات قانونی تناسب با خصوصیات او ندارد پس نهاد تبدیل مجازات‌ها گامی است در جهت سیاست فردی کردن مجازات‌ها.^۴ از جمله تأثیرات قانون کاهش حبس تعزیری تبدیل برخی مجازات‌های مقرر در کتاب پنجم قانون

^۱ - باهری، محمد، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۲۸۱.

^۲ - معین، محمد؛ فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷، ذیل واژه تبدیل.

^۳ - گلدوزیان، ایرج؛ بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۴، ص ۳۴۹.

^۴ - اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ بیستم، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۱۴.



مجازات اسلامی تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی می باشد که به شرح ذیل کاهش یا تبدیل می گردند.

الف - مجازات حبس موضوع ماده (۶۱۴) قانون (به استثنای تبصره آن) به حبس درجه شش؛

این بند راجع به ایراد ضرب و جرح عمدی منتهی به نقص عضو یا شکستگی یا مرض دائمی و ... است که مجازات آن از ۲ تا ۵ سال حبس بوده و اکنون به حبس درجه ۶ یعنی ۶ ماه تا دو سال کاهش یافته است.

ب - مجازات حبس موضوع ماده (۶۲۱) قانون، در صورتی که ارتکاب جرم به عنف یا تهدید باشد به حبس درجه چهار و در غیر این صورت به حبس درجه پنج؛

این بند راجع به جرم آدم ربایی است که مجازات آن ۵ تا ۱۵ سال حبس است که مطابق قانون جزا در صورتی که ربایش با عنف یا تهدید باشد مرتکب به حبس درجه ۴ یعنی ۵ تا ۱۰ سال و در غیر این صورت؛ به حبس درجه ۵ یعنی؛ ۲ تا ۵ سال محکوم می شود. توجه داشته باشید که؛ موارد مشدده در ماده ۶۲۱ ق.م.ا.ت نسخ شده است؛ در حال حاضر تنها در صورتی که آدم ربایی به عنف یا تهدید باشد؛ مجازات آن شدیدتر می شود.

پ - تبصره ماده (۶۲۱) قانون، نسخ و در مورد شروع به جرم آن مطابق ماده (۱۲۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ عمل میشود.

مطابق این بند، تبصره ماده ۶۲۱ ق.م.ا.ت نیز به موجب ماده ۱۵ قانون تقلیل مجازات حبس تعزیری نسخ شده است.

ت - مجازات حبس موضوع ماده (۶۷۷) قانون، در صورتی که میزان خسارت وارده یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا کمتر باشد به جزای نقدی تا دو برابر معادل خسارت وارده؛

بند مذکور راجع به حبس جرم تخریب یعنی ۶ ماه تا ۳ سال میباشد؛ که تبدیل به جزای نقدی تا دو برابر خسارت وارده میشود و البته این تخفیف زمانی قابل اجرا است که خسارات تخریب وارده حسب نظر کارشناس، بیشتر از ۱۰ میلیون تومان نباشد. شایان ذکر است حتی اگر

میزان خسارت بیشتر از ۱۰ میلیون تومان هم باشد، موضوع این ماده از قانون تعزیرات به موجب ماده ۱۱ قانون تقلیل مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ به نصف کاهش یافته است؛ زیرا، این جرم از جرایم قابل گذشت است.

ث - مجازات حبس موضوع ماده (۶۸۴) قانون به حبس درجه شش؛

بند «ث» راجع به ماده ۶۸۴ ق.م.ا.ت یعنی چراندن محصول دیگری و یا تخریب یا خشکاندن باغ نخلستان دیگری که دارای مجازات ۶ ماه تا ۳ سال حبس است؛ به حبس درجه ۶ یعنی ۶ ماه تا ۲ سال حبس تقلیل مییابد.

ج - مجازات موضوع مواد (۶۰۸) و (۶۹۷) قانون به جزای نقدی درجه شش.

بند «ج» راجع به توهین و افترا می‌باشد، یعنی مواد ۶۰۸ و ۶۹۷ ق.م.ا.ت که ماده اول به توهین ساده اشاره دارد که دارای مجازات حبس نبوده و در سابق نیز مجازات توهین ساده جزای نقدی ۵۰ هزار ریال تا یک میلیون ریال بود؛ که در قانون تقلیل مجازات حبس تعزیری به جزای نقدی درجه ۶ یعنی ۲۰ میلیون ریال تا ۸۰ میلیون ریال تبدیل شده است. ماده دوم به جرم افترا اشاره دارد؛ که حبس از یک ماه تا یک سال را در برداشت که اکنون به جزای نقدی درجه ۶ یعنی به ۲۰ میلیون ریال تا ۸۰ میلیون ریال تبدیل شد. قابل ذکر است در بند «ج» ماده ۱ قانون تقلیل مجازات حبس تعزیری به جای «مجازات حبس» تعبیر «مجازات» ذکر شده؛ لذا در مواد ۶۰۸ و ۶۹۷ دیگر مجازات شلاق قابل اعمال نمیباشد.

۲. تقلیل مجازات

تقلیل مجازات نیز نوعی تبدیل محسوب می‌گردد؛ بر این اساس، قانون کاهش حبس تعزیری تغییری در تقلیل مجازات نیز داشته است. با توجه به اینکه ماده ۳۷ قانون مجازات مقرر می‌دارد: «در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند:

الف - تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه

ب - تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار

پ - تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال

ت - تقلیل سایر مجازاتهای تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر»

ماده مذکور در قانون جدید بدین شرح اصلاح و یک تبصره نیز بدان الحاق می گردد: ^۱ « در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه میتواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسبتر باشد به شرح زیر تقلیل دهد یا تبدیل کند:

تقلیل مجازات حبس به میزان یک تا سه درجه در مجازاتهای درجه چهار و بالاتر؛

تقلیل مجازات حبس درجه پنج و درجه شش به میزان یک تا دو درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه هفت حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه؛

تبدیل مصادره کل اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار؛

تقلیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال؛

تقلیل سایر مجازاتهای تعزیری به میزان یک یا دو درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین تر؛»

تبصره - چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف مییابد، حکم به حبس کمتر از نود و یک روز صادر شود، به مجازات جایگزین مربوط تبدیل میشود.

همانطور که ملاحظه می گردد، بندهای «الف»، «ب»، «ث» و تبصره الحاقی به ماده ۳۷ ق.م.ا دارای تغییرات و نوآوریهای هستند؛ اما بندهای «پ» و «ت» ماده ۳۷ ق.م.ا دارای تغییراتی نیست؛ مانند سابق به آن عمل می شود.

در بند «الف» تخفیف یک تا سه درجه را برای درجات سنگین تر یعنی حبسهای تعزیری درجه چهار و بالاتر در نظر گرفته است. این چهار درجه فقط تا سه درجه قابل تخفیف هستند؛ نه بیشتر و از طرفی حبس سنگینتر به حبس سبکتر تقلیل مییابد و قابل تبدیل به سایر انواع

^۱ - ماده ۶ قانون کاهش حبس تعزیری

مجازات‌ها نیست؛ برای مثال، حبس تعزیری درجه چهار و بالاتر قابل تبدیل به جزای نقدی نیست.

در بند «ب» که جرایم تعزیری درجه ۵ و ۶ را در بر می‌گیرد؛ امکان تقلیل مجازات تا دو درجه وجود دارد؛ همچنین امکان تبدیل حبس درجه ۵ و درجه ۶ به جزای نقدی از همان درجه نیز وجود دارد و دادگاه می‌تواند حبس تعزیری درجه ۵ و ۶ را تبدیل به جزای نقدی در این دو درجه نماید و نیز حبس درجه ۷ را نیز می‌تواند به جزای نقدی همان درجه تبدیل کند. بند «ث» در مورد سایر مجازات‌های تعزیری غیر از حبس، دادگاه می‌تواند در جهت تخفیف، آنها را یک تا دو درجه پایین آورده و یا به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین‌تر (نه دو درجه) درجه تبدیل کند.

در عمل به تبصره اخیرالتصویب چنانچه دادگاه مجازات حبس را به کمتر از ۹۱ روز کاهش دهد، می‌باید آن را به مجازات جایگزین حبس تبدیل کند. لذا، اگر مجازات درجه ۵ را که می‌توانست ۲ تا ۵ سال حبس باشد، با سه درجه تخفیف به ۲ ماه کاهش داد؛ لازم است؛ حکم به مجازات جایگزین حبس صادر کند و این تخفیف جای تعجب ندارد.

بند دوم: تغییر در صلاحیت دادگاه‌ها

صلاحیت در اصطلاح حقوقی عبارت است از توانایی و شایستگی مرجع قضایی در رسیدگی به جرم معین که توسط مقنن مشخص می‌شود.^۱ برخی نیز در تعریف صلاحیت آورده اند: صلاحیت در اصطلاح عبارت از قدرت، شایستگی و توانایی قانونی دادگاه‌های دادگستری یا مراجع غیر دادگستری به دعاوی و اختلافات و حل و فصل آنها است.^۲ دکتر جعفری لنگرودی نیز در تعریف صلاحیت گفته‌اند « صلاحیت عبارت از اختیار قانونی یک امور رسمی برای انجام پاره‌ای از صلاحیت دادگاه و صلاحیت امور دولت در تنظیم سند

^۱ - گلدوست جویباری، رجبعلی، آیین دادرسی کیفری. تهران، جنگل، ۱۳۹۳، ص ۱۲۰.

^۲ - بهرامی، بهرام، آیین دادرسی مدنی، علمی و کاربردی، تهران، نشر تهران، نگاه بینه، چاپ نهم، ۱۳۸۵، ص ۲۰۱.



رسمی^۱ و در تعریف صلاحیت دادگاه نیز گفته شده صلاحیت یک دادگاه نسبت به اموری که می‌تواند به آن‌ها رسیدگی کند و در قلمرویی که می‌تواند اقدام به رسیدگی نماید^۲ از نظر حقوق اگر گفته می‌شود، فلان شخص، صلاحیت دارد یعنی وی هم حق انجام امر موردنظر را دارد و هم مکلف است آن امر را انجام دهد. به عبارت دیگر صلاحیت در مفهوم حقوق هم حق است و هم تکلیف. صلاحیت یکی از مسائل مربوط به نظم قضایی است. قضات محاکم باید قبل از رسیدگی به هر دعوائی تشخیص دهند که دعوا و اختلاف عنوان شده، داخل در محدوده صلاحیت و توانایی قانونی آنها است یا خیر. در صورت داشتن صلاحیت مکلف به رسیدگی هستند. صلاحیت از قواعد آمره محسوب می‌شود. بنابراین نمی‌توان بر خلاف آن توافق و تراضی نمود. تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه در رسیدگی به دعوا ارجاع شده با همان دادگاه است. مناط صلاحیت تاریخ تقدیم دادخواست است مگر در مواردی که خلاف آن مقرر شده باشد^۳. براساس اصل ۱۵۹ قانون اساسی مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است، تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آن‌ها منوط به حکم قانون است و بر اساس اصل ۳۶ قانون اساسی حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. اهمیت صلاحیت رسیدگی در قلمرو قوانین آیین دادرسی کیفری در امر رسیدگی به دعاوی بر حقوق دانان پوشیده نیست و کلیه مراجع قضایی اعم از دادرها و دادگاه‌ها مکلف‌اند قبل از ورود به ماهیت دعوا در مورد صلاحیت رسیدگی خود تفحص کافی معمول نمایند.

قانون کاهش حبس تعزیری در راستای تأثیری که بر تغییر در صلاحیت دادگاه‌ها گذاشته دو ماده را در بر گرفته است.

^۱ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ هشتم، تهران: انتشارات کتابخانه ی گنج دانش، ۱۳۷۶، ص ۵۰۷.

^۲ - همان، ص ۴۷.

^۳ - کریمی، عباس، آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۲۰۴.

مطابق ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی: «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار میدهد:

الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم

ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن

پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم

ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تاثیر تعزیر بر وی»

قانون کاهش حبس تعزیری تغییر که در این راستا انجام داده است این است که یک تبصره دیگر به شرح زیر به ماده فوق الذکر الحاق نموده است که بدین شرح است: «چنانچه دادگاه در حکم صادره مجازات حبس را بیش از حداقل مجازات مقرر در قانون تعیین کند، باید مبتنی بر بندهای مقرر در این ماده و یا سایر جهات قانونی، علت صدور حکم به بیش از حداقل مجازات مقرر قانونی را ذکر کند و عدم رعایت مفاد این تبصره موجب مجازات انتظامی درجه چهار می باشد.»^۱

بند سوم: تعلیق مجازات

سیاست کیفری قانون جدید مبتنی بر پیشگیری از سقوط متهمان و محکومان جزایی در ارتکاب جرم است. بنابراین کیفر زدایی و حبس زدایی، مورد توجه تشکیلات قضایی و تقنینی بوده و می باشد. لذا قانونگذار با ایجاد نهاد تعلیق اجرای مجازات، هدف تعلیق را بدون اجرا ماندن حکم مجازات دانسته و فرصتی را در جهت جبران مافات به بزهدار در چارچوب رعایت شرایط و اصولی اعطاء می نماید. و مراقبتهای پس از صدور آن را به نحو مطلوب می بایستی مطابق قواعد به انجام رساند تا روحیه ی تبهکاری مجرم و جرات او نسبت به ارتکاب جرم

^۱ - ماده ۲ قانون کاهش حبس تعزیری



محدود شده باشد. به عبارتی رسالت قانونگذار بیشتر در اهداف بلند مدت که عبارت از پیشگیری از وقوع جرم و توجه به فرآیند تربیت و رشد انسان است، متمرکز شده است. تا به هدف نهایی خود که همانا حفظ نظم و برقراری امنیت در جامعه و صیانت از حقوق افراد می باشد، نایل گردد. لذا تعلیق اجرای مجازات بعنوان راهکاری جهت جلوگیری از سلب آزادی، سلب خلایق، سلب امکان کار و کسب درآمد از متهمان و مجرمین اتفاقی و فاقد سوء سابقه وارد می شود و از ضربه ی مهلکی که به فرد در نتیجه انقطاع ارتکاب خانوادگی، اجتماعی و شغلی وارد می گردد، جلوگیری می کند.^۱ تعلیق مجازات عبارت از این است که اجرای تمام یا قسمتی از مجازات در مورد محکوم علیه با شرایط خاصی معلق شود. بر این اساس، دادگاه صادرکننده حکم اجرای مجازات مذکور در دادنامه را با توجه به شرایطی و برای مدتی معین و به منظور اصلاح و تربیت مجرم به تاخیر می اندازد. امروزه، تعلیق اجرای مجازات، به عنوان یکی از مجازات های جایگزین یا مجازات های بینابینی، مطرح است. برای اجرای تعلیق مراقبتی، بسیاری از کشورها با ایجاد نهادهای اجتماعی مناسب، قدم های موثری را در راه اصلاح بزهکاران غیر خطرناک برداشته اند. در کشور ما نیز از اوایل قرن حاضر ایده تعلیق مجازات در قوانین جزایی نمود پیدا کرد. لیکن متأسفانه علی رغم گذشت هشت دهه از تاریخ تصویب آن، هیچ نهاد متناسبی برای ساماندهی و نظارت بر امر تعلیق مجازات به وجود نیامده است. این کمبود در عمل دادگاه ها را به صدور قرارهای ساده متمایل کرده و نوعاً در قضات اشتیاقی برای صدور تعلیق مراقبتی مشاهده نمی شود. متأسفانه رویه قضایی کشور ما با نهاد تعلیق مجازات، برخورد جدی ندارد و در عمل از آن صرفاً به عنوان یکی از روش های تخفیف مجازات، استفاده می کند و بر این اساس حساسیت لازم در قضات برای رعایت شرایط قانونی تعلیق، مشاهده نمی شود.^۲

^۱ - عبیدی، اسماعیل، تعلیق اجرای مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، همایش بین المللی حقوق علوم سیاسی و معارف اسلامی، قرچک، ۱۳۹۲، <https://civilica.com/doc/۱۳۹۲>

^۲ - محمدنسل، غلامرضا « بررسی کاربردی تعلیق مجازات در حقوق جزا و رویه محاکم ایران»، مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۴، تابستان ۱۳۸۳، ص ۲۴۱.

بند چهارم: نظام نیمه آزادی

زندان، مجازاتی پذیرفته شده و غیرقابل انکار در تمامی جهان است و نظریه های مختلف کیفری فواید و مضرات فراوانی را برای این مجازات برشمرده اند. در همین خصوص نهادهای مدرن کیفری تلاش می کنند با اعمال اقداماتی نوین از مضرات مجازات زندان برای فرد، خانواده او و جامعه کاسته و بر نکات مثبت این مجازات برای اصلاح مجرم بیفزایند. نظام نیمه آزادی از این نهادهای نوین حقوق کیفری است که در آن با آزادی نیمه وقت مجرم موافقت شده است اما بر نظارت دایمی بر او تاکید می شود. این روش از یک سو، ثبات خانوادگی مجرم را حفظ کرده و اصل فردی بودن مجازاتها را تضمین می کند و از سوی دیگر اصلاح گام به گام مجرم را در دستور کار قرار می دهد. نظام نیمه آزادی یکی از نهادهایی است که قوانین کیفری نظام های مدرن حقوقی از آن برای تنبیه مجرم استفاده کرده اند تا آنان کمترین فاصله را از اجتماع گرفته و بیشترین فایده را برای اجتماع داشته باشند.

نظام نیمه آزادی در معنای خاص خود به روشی برای محدودیت زندان گفته می شود که قانون جدید مجازات اسلامی نیز آن را پذیرفته است. در خصوص افرادی که به دلیل بدهی های مالی در زندان به سر می برند، باید گفت که اگر فرد به طور کامل در حبس باشد، دیگر فرصتی برای کسب درآمد و بازگرداندن بدهی نخواهد داشت، این در حالی است که با اعمال نظام نیمه آزادی، چنین فردی می تواند از زندان خارج شده و برای بازپس دادن طلب مردم تلاش کند. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که استفاده از چنین تخفیف هایی تنها باید برای مجرمانی باشد که حالت خطرناک نداشته و آزادی آنها برای جامعه مضر نباشد. چرا که مجرم خطر آفرین مانند کسانی که مرتکب اعمالی از قبیل قتل یا شرارت یا سایر جرایم خطر آفرین شده اند، باید از مجرمانی که به دلیل بدهی های مالی یا جرایم سبک در زندان به سر می برند، جدا باشند همچنین کسانی که شرارت می کنند نباید از چنین تسهیلات قانونی استفاده کنند. در توضیح نظام نیمه آزادی باید گفت که بر اساس این نظام، کسی که محکوم به تحمل حبس در مدت مشخصی می شود، در این مدت نیمی از مجازاتش را متحمل



می‌شود. به طور مثال، فرد محکوم شب‌ها در زندان به سر می‌برد و زمان مشخصی را در خارج از زندان می‌گذراند یا در روزهای تعطیل به زندان می‌رود. در حقیقت، کسانی که به مجازات حبس محکوم می‌شوند، اما دارای شرایط خاصی هستند یا جامعه به آنها نیاز دارد یا اینکه دادگاه به آنها مطمئن است، مشمول نظام نیمه‌آزادی می‌شوند همچنین در مواردی که مجرم با دادگاه همکاری می‌کند یا در مواردی که دادگاه به این نتیجه می‌رسد که فرد مورد نظر نباید به طور کامل از جامعه حذف یا سابقه‌دار شود، برای فرد از نظام نیمه‌آزادی استفاده می‌کند. در این روش بزهکار در صورت سپردن تضمینات لازم از آزادی نسبی برخوردار می‌شود؛ به نحوی که در ساعات معینی می‌تواند برای انجام امور مشخصی مانند اشتغال، تحصیل، ملاقات با اعضای خانواده و سایر امور در اماکنی که از قبل مشخص شده است، حضور یافته و پس از اتمام ساعات معینه، بلافاصله به زندان برگردد. بدیهی است ساعات ورود و خروج وی در دفاتر مخصوص ثبت شده و حضور وی در اماکنی که با حکم دادگاه در نظر گرفته شده است، نیز توسط مسئولین اماکن مربوطه کنترل و به دادگاه گزارش می‌شود.^۱ فصل هفتم بخش دوم قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ نیز در دو ماده به تبیین نظام نیمه‌آزادی پرداخته است. ماده ۵۶ این قانون، نظام نیمه‌آزادی را شیوه‌ای دانسته که بر اساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر آن را در خارج از زندان انجام دهد. در این ماده نظارتی مستمر برای اجرای این شیوه در نظر گرفته شده و مقرر شده است که اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه‌آزادی صورت گیرد که در سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی تاسیس می‌شود. ماده ۵۷ این قانون نیز محدوده تصمیم‌گیری قضات را برای حکم به نظام نیمه‌آزادی برای مجرمان مشخص کرده و محکومان قطعی به حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۷ را مشروط به گذشت شاکي، سپردن تأمین مناسب، تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی و حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم

زندگی خانوادگی و درمان اعتیاد یا بیماری محکوم با رضایت وی، مشمول این نظام قرار داده است.

بند پنجم: نظارت با سامانه‌های الکترونیکی

نظارت الکترونیکی به عنوان یک ضمانت اجرای مجازات جایگزین زندان به معنای «کنترل و نظارت بر اشخاص از طریق ابزار و وسایل الکترونیکی در محیط خارج از زندان» است. این شیوه نظارت، کاربردهای وسیعی در کنترل منابع انسانی در کارخانه‌ها و اداره‌ها و کنترل اجتماعی نظیر کنترل ترافیک یا حفاظت از اماکن و تأسیسات دارد. در دو دهه اخیر، نظارت الکترونیکی کاربردهایی هم در زمینه مبارزه با بزهکاری و کنترل بزهکاران پیدا کرده است.^۱ به نحوی که از نظارت الکترونیکی به منزله اختراع و ابداع برجسته کیفری پایان دهه ۱۹۸۰ یاد میشود، زیرا افزون بر استفاده از فناوری برای اصلاح و تربیت و کاهش هزینه‌های زندان، از زمان اجرای ابتدائی آن در پایان دهه ۱۹۸۰، نظارت الکترونیکی به صنعت بزرگی تبدیل شده است و هزاران مجرم هر روز از این رهگذر نظارت میشوند.^۲

هدف اصلی این برنامه، کاهش جمعیت زندان است. ولی در کنار این هدف عمده، کاهش هزینه‌های نگهداری مجرمان و حفظ ارتباط اجتماعی آنها و حضور در کانون خانواده را نیز میتوان به عنوان اهداف دیگر این جایگزین مجازات زندان قلمداد کرد. هر چند فشار عمومی برای حمایت از اجتماع در مقابل بزهکاران رو به افزایش است، ولی از طرف دیگر، کنترل بودجه عمومی در رابطه با اصلاح مجرمان نیز حائز اهمیت و قابل توجه است. یکی از ابزارهایی که میتواند دستیابی به این مهم، یعنی کنترل بودجه را مقدور سازد، استفاده از جایگزینهای مجازات حبس است. در سه موردی که کاربرد عمده نظارت الکترونیکی مطرح میشود - یعنی کنترل محکومان به حبس‌های خانگی، کنترل محکومان آزاد شده از رهگذر تعلیق آزمایشی و

^۱ - محمد نسل، غلامرضا؛ نظارت الکترونیکی بر بزهکاران؛ فصلنامه دانش انتظامی، سال هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۸۴، ص ۱۲.

^۲ - آشوری، محمد؛ جایگزینهای زندان یا مجازاتهای بینابین؛ علوم جنائی (مجموعه مقالات)، انتشارات سلسبیل، چاپ اول، بهار ۱۳۸۴، جلد ۲، ص ۴۰۲.



کنترل متهمان^۱ - نظارت الکترونیکی میتواند آثار مخرب و زیانبار حبسهای به‌ویژه کوتاه مدت را به حداقل ممکن کاهش دهد. نظارت الکترونیکی در مورد مجرمان غیرخشن اجرا میشود. بدین منظور، پیش از محکومیت شخص به اجرای این برنامه، مأمور تعلیق آزمایشی در مورد مناسب بودن شخص برای روش تعلیق همراه با نظارت الکترونیکی تصمیمگیری مینماید. اگر مجرم به علت ماهیت جرم، خطرناک ارزیابی شود، ابتدا زندانی میشود و سپس اگر خطری برای جامعه نداشته باشد، مشمول برنامه‌های نظارت الکترونیکی قرار میگیرد، پس حفظ امنیت جامعه در درجه اول اهمیت قرار دارد.^۲

هنگامی که شرایط اعمال نظارت الکترونیکی فراهم باشد، «قاضی اجرای مجازاتها، شیوه های اجرای آن را با قرار غیرقابل اعتراضی، برای مدت حداکثر چهار ماه، از تاریخی که محکومیت الزم الاجرا میشود، تعیین می کند. قاضی اجرای مجازاتها در موارد زیر باید از اعمال نظارت الکترونیکی خودداری کند: اگر شرایط اعمال مجازات از رهگذر نظارت الکترونیکی فراهم نباشد؛ اگر محکوم از ممنوعیتها یا الزاماتی که به او تحمیل میشود، راضی نباشد؛ اگر دلیلی بر سوء رفتار وی وجود داشته باشد؛ اگر تغییر و اصلاح ضروری در شرایط اجرائی را رد کند؛ و اگر این موضوع را درخواست نماید؛ اگر شخصیت محکوم یا شیوه های موجود، این موضوع را توجیه کند، قاضی اجرای مجازاتها میتواند بر همان اساس، تدبیر نیمه آزادی یا استقرار خارج از زندان را جایگزین نظارت الکترونیکی نماید»^۳.

نظارت و کنترل بر اجرای این تدبیر، به شیوه‌های است که اجازه میدهد حضور و غیاب محکوم از راه دور فقط در مکانی که توسط قاضی اجرای مجازاتها^۴ تعیین میشود، در یک دوره معین ردیابی شود. در اجرای این شیوه میتوان شخص موردنظر را واداشت تا در تمام

^۱ - محمدنسل، پیشین، صص ۱۲۲-۱۲۳.

^۲ - تدین، عباس، «نظارت الکترونیکی: گامی به سوی جایگزینهای زندان»، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، شماره ۶۴، پاییز ۱۳۸۷، ص ۶۱.

^۳ - تدین، عباس؛ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه؛ (مترجم، پلی کبی، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، ۱۳۸۵، جلد ۵، ص ۴۴۶.

^۴ - کوشا، جعفر؛ جرایم علیه عدالت قضایی؛ تهران، نشر میزان، چاپ اول، پاییز، ۱۳۸۱، ص ۱۳۹.

مدت اجرای نظارت الکترونیکی، دستگاه فرستنده را با خود حمل نماید. البته قانونگذار تأکید دارد که در اجرای این شیوه باید کرامت، تمامیت و زندگی خصوصی اشخاص رعایت شود. یکی از تأثیرات قانون کاهش حبس تعزیری تغییر در نظارت با سامانه های الکترونیکی می باشد. از جمله موادی که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به این امر اختصاص یافته است ماده ۶۲ می باشد که مقرر می دارد: « در جرائم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را بارضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم) های الکترونیکی قرار دهد.» در تبصره این ماده نیز آمده است: « دادگاه در صورت لزوم می تواند محکوم را تابع تدابیر نظارتی یا دستورهای ذکر شده در تعویق مراقبتی قرار دهد.»

در قانون کاهش حبس تعزیری تغییری که این ماده یافته است این است که ماده فوق و تبصره آن ابقاء و دو تبصره به عنوان تبصره های (۲) و (۳) به شرح زیر به ماده مذکور الحاق شده است:

تبصره ۲- مقررات این ماده در مورد حبسهای تعزیری درجه دو، درجه سه و درجه چهار نیز پس از گذراندن یک چهارم مجازاتهای حبس قابل اعمال است.

تبصره ۳- قوه قضائیه میتواند برای اجرای تدابیر نظارتی موضوع این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن متهم یا محکوم تحت نظارت الکترونیکی قرار میگیرد، با نظارت سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از ظرفیت بخش خصوصی استفاده کند. آیین نامه اجرائی این تبصره توسط معاونت حقوقی قوه قضائیه با همکاری مرکز آمار و فناوری و سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه میشود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد.

در واقع، مطابق قانون جدید، علاوه بر درجات ۵ تا ۸ که به موجب صدر ماده ۶۲ ق.م.ا امکان اعمال آزادی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه الکترونیکی وجود داشته است؛ در حال حاضر، با توجه به تبصره ۲ الحاقی به ماده ۶۲ ق.م.ا جرم های درجه ۲ تا ۴ نیز به شرط گذراندن یک چهارم از مدت حبس، همین امکان را خواهند داشت. شایان ذکر است؛

ماده ۶۲ ق.م.ا به این شکل تنظیم شده بود؛ که درجه ۱ نیز مشمول ماده بود و در خصوص سپری نمودن مدتی از حبس نیز مشروط به سپری نمودن یک پنجم از مدت حبس بود؛ که با ایراد شورای نگهبان مواجه و به شکل فعلی تصویب شد.

در تبصره ۳ نیز اشاره شده؛ که قوه قضاییه می تواند موضوع اجرای تدابیر نظارتی را به بخش خصوصی واگذار نماید. منظور از نظارت الکترونیکی بر «متهم» نیز که در ماده اشاره شده، قابلیت اعمال آن بر متهمان براساس بند «ج» ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری است.

بند ششم: تغییر در تعدد و تکرار جرم

از جمله تأثیرات قانون کاهش حبس تعزیری تغییر در تعدد و تکرار جرم می باشد که در ذیل نخست به تغییر در تعدد جرم و در ادامه به تغییر در تکرار جرم پرداخته می شود.

۱. تغییر در تعدد جرم

تعدد جرم وضعیت خاصی است که در آن فردی مرتکب چند جرم شده و پس از آن در چنگال عدالت گرفتار میشود تا بهخاطر همه آن جرایم مورد محاکمه و مجازات قرار گیرد. دو نکته در این تعریف نهفته است: اولاً، تعدد جرم زمانی مطرح میشود که متهم بیش از یک جرم را مرتکب شده باشد. ثانیاً، ادعای تعدد جرم زمانی صحیح است که در زمان محاکمه متهم، وی به خاطر هیچیک از جرایم ارتكابی مذکور، سابقاً محکوم و مجازات نشده باشد. بنابراین، اگر متهم فقط یک جرم را اما در فواصل زمانی مختلف مرتکب شده باشد یا به خاطر یک یا چند مورد از آن جرایم قبلاً محاکمه و مجازات شده باشد اتهام تعدد جرم در مورد او صادق نیست.^۱

با وجود آنکه تعدد جرم از علل مشدده به شمار میرود و حالت خطرناک مجرم و همچنین ایجاد نظم و امنیت اجتماعی اقتضا میکند نسبت به خطاکارانی که با ارتکاب جرائم متعدد به

^۱ - جعفری، مجتبی، «تعدد جرم و آثار آن در قانون جدید مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره دوم، شماره ۵، زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۷۵.

این نظم و امنیت لطمه وارد میکنند، شدت عمل بیشتری نشان داده شود.^۱ اما تبصره ۳ ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی، به درستی و همچون تبصره ۲ ماده ۲۲ قانون سابق مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، تعدد جرم را مانع از اعمال تخفیف در مجازات در صورت وجود کیفیات مخففه، ندانسته است. دلیل این امر نیز روشن است زیرا همیشه نمیتوان به صرف تعدد جرائم، به ویژه وقتی جرائم از نوع خفیف باشد، به شدت عمل متوسل شد و قاضی باید بتواند با شناختی که از مجرم پیدا میکند و با توجه به کیفیات و نحوه ارتکاب جرم و شخصیت بزهکار، حکم بر مجازات صادر نماید و به عبارت دیگر، تعدد همیشه دلیل کافی بر وجود حالت خطرناک نیست.^۲ بنابراین، تعدد مادی جرائم تعزیری مانع از اعمال تخفیف در مجازات نیست ولی این امر، دارای ضوابطی است و دادگاه در اعمال تخفیف دارای اختیارات بی حد و حصر نیست. البته ارتکاب جرم جدید بعد از اعمال جهات مخففه تأثیری در موقعیت جرم قبلی مشمول مجازات تخفیف یافته ندارد.^۳ به موجب تبصره ۳ ماده ۱۳۴ ق.م.ا: «در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه میتواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر و چنانچه مجازات، فاقد حداقل و حداکثر باشد تا نصف آن تقلیل دهد».

یکی از تأثیرات قانون کاهش حبس تعزیری تغییر در تعدد جرم می باشد که این تغییر در ماده ۱۲ قانون کاهش حبس تعزیری آمده است. این ماده اشاره به ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ داشته که آن را اصلاح نموده و چهار تبصره ذیل آن را حذف نموده است.

اصلاح ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی بدین شرح است: «در تعدد جرائم تعزیری، تعیین و اجرای مجازات به شرح زیر است:

^۱ - نوریها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶، ص ۴۱۶.

^۲ - همان، ص ۴۱۶.

^۳ - گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۴، ص ۳۲.



الف- هرگاه جرائم ارتكابی مختلف نباشد، فقط يك مجازات تعیین می شود و در این صورت، دادگاه می تواند مطابق ضوابط مقرر در این ماده که برای تعدد جرائم مختلف ذکر شده، مجازات را تشدید کند.

ب- در مورد جرائم مختلف، هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد، حداقل مجازات هر يك از آن جرائم بیشتر از میانگین حداقل و حداکثر مجازات مقرر قانونی است.

پ- چنانچه جرائم ارتكابی مختلف، بیش از سه جرم باشد، مجازات هر يك، حداکثر مجازات قانونی آن جرم است. در این صورت دادگاه می تواند مجازات هر يك را بیشتر از حداکثر مجازات مقرر قانونی تا يك چهارم آن تعیین کند.

ت- در تعدد جرائم درجه هفت و درجه هشت با یکدیگر، حسب مورد مطابق مقررات این ماده اقدام می شود و جمع جرائم درجه هفت و درجه هشت با درجه شش و بالاتر سبب تشدید مجازات جرائم اخیر نمی شود. در جمع این جرائم با جرائم درجه شش و بالاتر، به طور جداگانه برای جرائم درجه هفت و درجه هشت مطابق این ماده تعیین مجازات می شود و در هر صورت مجازات اشد قابل اجراء است.

ث- در هر يك از بندهای فوق، فقط مجازات اشد مندرج در دادنامه قابل اجراء است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل شود یا به موجبی از قبیل گذشت شاکی خصوصی، نسخ مجازات قانونی یا مرور زمان غیرقابل اجراء گردد، مجازات اشد بعدی اجراء می شود و در این صورت میزان مجازات اجراء شده قبلی در اجرای مجازات اشد بعدی محاسبه می شود. آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات و عفو در حکم اجراء است.

ج- در هر مورد که مجازات قانونی فاقد حداقل یا ثابت باشد، اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه می تواند تا يك ششم و اگر بیش از سه جرم باشد تا يك چهارم به اصل آن اضافه کند.

چ- در صورتی که در جرائم تعزیری، از رفتار مجرمانه واحد، نتایج مجرمانه متعدد حاصل شود، مرتکب به مجازات جرم اشد محکوم میشود.

ح- هرگاه در قانون برای جرمی یکی از مصادیق مجازات‌های مندرج در مواد (۲۳) ۱ یا (۲۶) ۲ این قانون به‌عنوان مجازات اصلی مقرر شده باشد، آن مجازات در هر صورت اجراء

۱- ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی

دادگاه می تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازاتهای تکمیلی زیر محکوم نماید:

الف- اقامت اجباری در محل معین ب- منع از اقامت در محل یا محل‌های معین پ- منع از اشتغال به شغل، حرفه یا کار معین ت- انفصال از خدمات دولتی و عمومی ث- منع از رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و یا تصدی وسایل موتوری ج- منع از داشتن دسته چک و یا اصدار اسناد تجارتي ج- منع از حمل سلاح ح- منع از خروج اتباع ایران از کشور خ- اخراج بیگانگان از کشور د- الزام به خدمات عمومی ذ- منع از عضویت در احزاب، گروهها و دستجات سیاسی یا اجتماعی ر- توقیف وسایل ارتكاب جرم یا رسانه یا موسسه دخیل در ارتكاب جرم ز- الزام به یادگیری حرفه، شغل یا کار معین ژ- الزام به تحصیل س- انتشار حکم محکومیت قطعی تبصره ۱- مدت مجازات تکمیلی بیش از دوسال نیست مگر در مواردی که قانون به نحو دیگری مقرر نماید.

تبصره ۲- چنانچه مجازات تکمیلی و مجازات اصلی از یک نوع باشد، فقط مجازات اصلی مورد حکم قرار میگیرد.

تبصره ۳- آیین نامه راجع به کیفیت اجرای مجازات تکمیلی ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه میرسد.

۲- ماده ۲۶ قانون مجازات اسلامی: حقوق اجتماعی موضوع این قانون به شرح زیر است: الف- داوطلب شدن در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا ب- عضویت در شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام یا هیات دولت و تصدی معاونت رئیس جمهور پ- تصدی ریاست قوه قضائیه، دادستانی کل کشور، ریاست دیوان عالی کشور و ریاست دیوان عدالت اداری ت- انتخاب شدن یا عضویت در انجمنها، شوراها، احزاب و جمعیتها به موجب قانون یا با رای مردم ث- عضویت در هیاتهای منصفه و امناء و شوراهای حل اختلاف ج- اشتغال به عنوان مدیر مسول یا سردبیر رسانههای گروهی چ- استخدام و یا اشتغال در کلیه دستگاههای حکومتی اعم از قوای سه گانه و سازمانها و شرکتهای وابسته به آنها، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، نیروهای مسلح و سایر نهادهای تحت نظر رهبری، شهرداریها و موسسات مامور به خدمات عمومی و دستگاههای مستلزم تصریح یا ذکر نام برای شمول قانون بر آنها ح- اشتغال به عنوان وکیل دادگستری و تصدی دفاتر ثبت اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتریاری خ- انتخاب شدن به سمت قیم، امین، متولی، ناظر یا متصدی موقوفات عام د- انتخاب شدن به سمت داوری یا کارشناسی در مراجع رسمی ذ- استفاده از نشانهای دولتی و عناوین افتخاری ر- تاسیس، اداره یا عضویت در هیات مدیره شرکتهای دولتی، تعاونی و خصوصی یا ثبت نام تجارتي یا موسسه آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و علمی

تبصره ۱- مستخدمان دستگاههای حکومتی در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی، خواه به عنوان مجازات اصلی و خواه مجازات تکمیلی یا تبعی، حسب مورد در مدت مقرر در حکم یا قانون، از خدمت منفصل می شوند.

تبصره ۲- هر کس به عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم گردد پس از گذشت مواعد مقرر در ماده (۲۵) این قانون اعاده حیثیت می شود و آثار تبعی محکومیت وی زائل می گردد مگر در مورد بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده که از حقوق مزبور به طور دائمی محروم می شود.

می‌شود، حتی اگر مربوط به مجازات غیر آشد باشد. همچنین اگر مجازات آشد وفق ماده (۲۵)^۱ این قانون، فاقد آثار تبعی و مجازات خفیف‌تر دارای آثار تبعی باشد، علاوه بر مجازات اصلی آشد، مجازات تبعی مزبور نیز اجراء میشود.

خ- در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف مجازات برای هر یک از جرائم، مطابق مواد (۳۷)^۲ و (۳۸)^۳ این قانون اقدام میشود.

^۱ - ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی: محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند: الف- هفت سال در محکومیت به مجازاتهای سالب حیات و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم اصلی ب- سه سال در محکومیت به قطع عضو، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی علیه باشد، نفی بلد و حبس تا درجه چهار پ- دو سال در محکومیت به شلاق حدی، قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی علیه یا کمتر از آن باشد و حبس درجه پنج

تبصره ۱- در غیر موارد فوق، مراتب محکومیت در پیشینه کیفری محکوم درج می‌شود لکن در گواهی‌های صادره از مراجع ذیربط منعکس نمی‌رسد مگر به درخواست مراجع قضائی برای تعیین یا بازنگری در مجازات

تبصره ۲- در مورد جرائم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، اجرای مجازات موقوف شود اثر تبعی آن نیز رفع می‌شود.

تبصره ۳- در غفو و آزادی مشروط، اثر تبعی محکومیت پس از گذشت مدتهای فوق از زمان غفو یا اتمام مدت آزادی مشروط رفع می‌شود. محکوم در مدت زمان آزادی مشروط و همچنین در زمان اجرای حکم نیز از حقوق اجتماعی محروم می‌رسد.

^۲ - ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی: در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب‌تر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند:

الف - تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه

ب - تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار

پ - تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال

ت - تقلیل سایر مجازاتهای تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر

^۳ - ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی: جهات تخفیف عبارتند از: الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی ب- همکاری موثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن پ- اوضاع و احوال خاص موثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم ت- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار موثر وی در حین تحقیق و رسیدگی ث- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری ج- کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن چ- خفیف بودن زیان وارده به بزه دیده یا نتایج زیانبار جرم

ح- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم

تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم خود قید کند.

تبصره ۲- هرگاه نظیر جهات مندرج در این ماده در مواد خاصی پیشینی شده باشد، دادگاه نمی‌تواند به موجب همان جهات، مجازات را دوباره تخفیف دهد.

د- در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم اعمال نمی‌شود و مرتكب به مجازات مقرر در قانون محكوم میشود.»

اعمال مقررات ادغام احكام (تعدد) یا همان ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نتیجه‌تا به نفع متهم است. اگر شخصی مرتكب جرمی شود و مجازات آن را تحمل کند و پس از آن مرتكب جرم دیگری شود باید مجازات آن جرم را نیز مستقلاً تحمل نماید.

اما اینکه به هر دلیل دست قوه عدالت به وی نرسیده و او مرتكب چند جرم شده است، اعمال یک جای تمام مجازاتها با هم، دور از انصاف است. لذا به شکلی که آثار این تعدد را نیز تحمل کند؛ اما حبس وی بسیار طولانی نشود، مقررات ماده ۱۳۴ اعمال میشود. قانونگذار بین ارتكاب تا ۳ جرم و بیشتر از آن و جرایم مشابه و مختلف و نیز جرایم درجه ۷ و ۸ و سایر جرایم تفاوت قائل شده است. در اینجا بندهای ماده هر کدام به صورت جداگانه توضیح داده میشود:

هرگاه جرایم ارتكابی مختلف نباشند؛ در صدور حکم، فقط یک حکم محکومیت صادر می‌شود. مثلاً در چک بلامحل اگر فرد مرتكب صدور پنج فقره چک بلامحل نسبت به ۵ نفر شاکی شده باشد؛ فقط یک مجازات برای وی صادر میشود؛ مثلاً یک سال حبس. در اینجا دادگاه فقط میتواند مجازات را تشدید کند؛ آن هم مطابق ماده ۱۳۴ ق.م.ا اصلاحی و نمی‌توان برای وی پنج فقره یک سال حبس در نظر گیرد.

۲. تغییر در تکرار جرم

تکرار جرم حالت کسی است که پس از محکومیت قطعی در دادگاه صالح، مرتكب جرم دیگری شود.^۱ این پدیده از جمله دقیق‌ترین و سخت‌ترین مباحث حقوق کیفری است از آن جهت که هم با مسایل جزایی مرتبط است و هم با مسایل اجتماعی و هم با عدالت و اجرای آن. این موضوع به عنوان معضل مشترک تمام نظام‌های حقوق کیفری جهان مطرح است. این

^۱ - گارو، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه سید ضیاء الدین نقابت، تهران، بنگاه مطبوعاتی ایران، ۱۳۴۸، ج ۳، ص ۳۸۰.



حالت علاوه بر آن که نشانه ناتوانی و قصور بزهدکار جهت بازاجتماعی شدن و انطباق با حیات عاری از جرم است، بیان‌گر کاستی و ناتوانی نهادهای مجری عدالت کیفری جهت بازسازی و بازپروری و همچنین پیشگیری از جرم نیز هست.

تکرار کنندگان جرم نه تنها با استمرار فعالیت خویش، نظم و امنیت اجتماعی را در معرض مخاطره قرار می‌دهند؛ بلکه هزینه‌های گزافی را نیز بر اقتصاد عمومی و بودجه نظام عدالت کیفری تحمیل می‌کنند چرا که بیش از نیمی از مشتریان دایمی دستگاه عدالت کیفری را تکرار کنندگان جرم تشکیل می‌دهند.^۱ تکرار جرم حکایت از خطرناک بودن مجرم دارد و مبین آن است که اجرای مجازات سابق درباره وی، تأثیر چندانی نداشته است؛ لذا برای آن که مرتکب تکرار جرم، متنبه شود مستحق مجازات بیشتری است. بدین لحاظ تکرار جرم یکی از کیفیات تشدید مجازات محسوب می‌شود. در این که تشدید مجازات، به معنی فراتر رفتن از حداکثر مجازات قانونی است، تردیدی وجود ندارد؛ اما مراعات اصولی مانند اصل قانونی بودن مجازات‌ها، قضات را بر آن داشته که جانب احتیاط را نگه دارند و در حدودی که قانون‌گذار تعیین کرده حکم دهند.^۲ در قانون مجازات اسلامی مواد ۱۳۷ الی ۱۳۹ به بحث تکرار جرم اشاره دارد. ماده ۱۳۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر کس به موجب حکم قطعی به یکی از مجازاتهای تعزیری از درجه یک تا شش محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری گردد، به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می‌شود.»

در قانون کاهش حبس تعزیری ماده فوق به این شرح اصلاح‌گرفته است: «هر کس به علت ارتکاب جرم عمدی به موجب حکم قطعی به یکی از مجازاتهای تعزیری از درجه یک تا درجه پنج محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم عمدی تعزیری درجه یک تا شش گردد، حداقل مجازات جرم

^۱ - غلامی، حسین، بررسی حقوقی - جرم شناختی تکرار جرم، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۸-۹.

^۲ - معاونت آموزش قوه قضائیه، مجموعه نشست‌های قضایی (مسائل قانون مجازات اسلامی)، ج اول، تهران، انتشارات جاودانه، چاپ دوم، ۱۳۸۲، ص ۸۹ اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۳۵.

ارتکابی میانگین بین حداقل و حداکثر مجازات قانونی آن جرم است و دادگاه میتواند وی را به بیش از حداکثر مجازات تا یک چهارم آن محکوم کند.^۱

همانطور که ملاحظه می شود تغییراتی در باب تکرار جرم در قانون جدید ملاحظه می گردد. در واقع، با نگاهی به ماده ۱۳۷ ق.م.ا سابق نشان می دهد؛ میزان سختگیری قانونگذار نسبت به تکرار جرم بیشتر بوده و در اصلاحات اخیر از این شدت کاسته شده است. مطابق ماده سابق کسی که سابقه ارتکاب جرم درجه ۱ تا ۶ داشته باشد و از این سابقه مدتی معادل مرور زمان اجرا مطابق ماده ۱۰۷ ق.م.ا و یا اعاده حیثیت مطابق ماده ۲۵ ق.م.ا سپری نشده باشد و دوباره مرتکب جرم درجه ۱ تا ۶ جدید بشود، در اعمال مجازات دارای جرم جدید دادگاه می بایست مجازات وی را تشدید مینمود و میزان این تشدید حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن بود. اما بعد از اصلاحات، اولاً؛ ارتکاب جرم درجه ۱ تا ۵ را سابقه حساب نموده؛ نه ۱ تا ۶، و ثانیاً؛ دست دادگاه در اعمال تشدید باز است و مجبور به تشدید نسبت به این شکل که به جای اجبار به اعمال حداکثر مجازات برای جرم جدید فقط حداقل مجازات جرم جدید را مشخص کرده است که، میانگین بین حداقل و حداکثر قانونی آن جرم است و برای اعمال مجازات بیشتر از حداکثر، دادگاه اجباری ندارد و اگر قصد تشدید به بیشتر از حداکثر هم داشته باشد؛ فقط تا یک چهارم امکان تشدید دارد؛ نه بیشتر.



ماده ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی نیز مقرر می دارد: « در تکرار جرائم تعزیری در صورت وجود جهات تخفیف به شرح زیر عمل می شود:

الف- چنانچه مجازات قانونی دارای حداقل و حداکثر باشد، دادگاه می تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر مجازات تقلیل دهد.

ب- چنانچه مجازات، ثابت یا فاقد حداقل باشد، دادگاه می تواند مجازات مرتکب را تا نصف مجازات مقرر تقلیل دهد.» مطابق تبصره این ماده چنانچه مرتکب دارای سه فقره

^۱ - ماده ۱۳ قانون کاهش حبس تعزیری

محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی شود.

ماده ۱۳۹ قانون مجازات اسلامی نیز در قانون کاهش حبس تعزیری تغییر یافته و به شکل ذیل اصلاح یافته است (البته تبصره آن به حالت سابق ابقا مانده است): « در تکرار جرایم تعزیری در صورت وجود جهات تخفیف مطابق مواد (۳۷) و (۳۸) این قانون اقدام می شود.»^۱ با دقت در دو ماده فوق ملاحظه می گردد که ماده ۱۳۹ ق.م.ا سابق برای اعمال تخفیف در زمانی که متهم دارای تکرار جرم باشد؛ حدودی در نظر گرفته بود که با اصلاحات جدید دست دادگاه در این مورد هم باز شد و در صورت وجود جهات تخفیف، مطابق مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات میتواند تخفیفات لازم را اعمال کند و مطابق تبصره، امکان اعمال تخفیف وقتی که متهم دارای ۳ فقره محکومیت قطعی باشد؛ وجود ندارد.

نتیجه گیری

قانون کاهش مجازات حبس تعزیری گامی در جهت تغییر، تبدیل، تخفیف، تعلیق مجازات حبس و در راستای کم کردن جمعیت کیفری زندانها است. با اجرایی شدن این قانون و انقلاب تقنینی ساختار درجات هشت گانه مجازات حبس تغییر کرده است کسانی که اکنون در زندانها به سر می برند؛ نیز مشمول برخی از مواد این قانون مثل ماده (۸) (اصلاح ماده ۵۷) و ماده (۹) (اصلاح ماده ۶۲) می شوند. همچنین برخی جرایم قابل گذشت اعلام شده اند و یا مجازات برخی از جرایم تغییر نموده؛ که این امر، امکان درخواست تخفیف برای زندانیها به وجود آورده است. محکومین به حبس در جرایم قابل گذشت می توانند با اخذ اعلام گذشت از شاکی از امتیازات این قانون بهره مند شوند و پرونده آنها در اجرای احکام مختومه خواهد شد. مواد قانونی که در این قانون نسخ شده است عناوین مجرمانه از آنها زائل خواهد شد و در صورتی که پرونده در حال رسیدگی باشد مختومه خواهد شد و یا اینکه در اجرای احکام باشد

^۱ - ماده ۱۴ قانون کاهش حبس تعزیری

فاقد لزوم اجرا خواهند بود و در صورتی که حتی اجرا شده باشند نیز محکومیت آن افراد از سجل آنها محو خواهد شد.

پیشنهادهات

- پیشنهاد می شود در قانون جدید، قضات در اعمال مجازات حبس باید حداقل مجازات حبس را ملاک قرار دهند و اگر قصد اعمال مجازات حبس بیش از حداقل را بر مرتکب دارند، حتما دلایل افزایش مجازات حبس بیش از حداقل قانونی را در دادنامه قید کنند و الا این موضوع علاوه بر تخلف انتظامی درجه ۴ برای مقام قضایی، از موجبات نقض دادنامه در مرجع عالی خواهد بود.
- عنوان قانون یاد شده، «کاهش مجازات حبس تعزیری» است اما در این خصوص باید گفت این عنوان، یک عنوان مستقلی را بر عناوین قانون افزوده است که با سیاست‌های تقنینی مجلس شورای اسلامی، مقرر در قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب ۱۳۸۹ است مغایرت داشته و تورم قوانین را در پی دارد. لذا در این راستا باید اصلاحاتی صورت گیرد.
- از دیگر پیشنهادهات اصلاحی، مغایرت آن با مواد مندرج در خود قانون است. کاهش مجازات در عنوان به صورت مطلق ذکر شده است ولی در برخی موارد توسعه مجازات را شاهد هستیم. برای مثال پیش‌ازین، مجازات تکمیلی اختصاص به جرم درجه ۱ الی ۶ داشت ولی در این قانون، مجازات تکمیلی به کلیه درجات مجازات‌ها توسعه پیدا کرده است.
- اگر هدف قانون صرفاً کاهش زندانیان باشد این خطر وجود دارد که با بازگشت مجرمان به جامعه شاهد افزایش میزان جرم و جنایت باشیم و جامعه دچار هرج و مرج شود. لذا، قانون‌گذاران باید به دنبال راه‌کارهایی جهت پایین آوردن نرخ جرم در جامعه باشند. امری که در این قانون مشاهده نمی‌گردد.



منابع و مآخذ

الف) کتب

۱. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۸)، لسان العرب، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ اول.
۲. احمدی، حبیب (۱۳۹۳)، جامعه شناسی انحرافات، تهران، سمت، چاپ ششم.
۳. اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۳)، حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان، چاپ پنجم.
۴. اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۸)؛ حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ بیستم.
۵. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۰۵)، شرح رسایل، ترجمه علی محمدی، انتشارات دارالفکر.
۶. آنسل، مارک (۱۳۷۵)، دفاع اجتماعی، محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ سوم.
۷. باهری، محمد (۱۳۸۰)، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول.
۸. بهرامی، بهرام (۱۳۸۵)، آیین دادرسی مدنی، علمی و کاربردی، تهران، نشر تهران، نگاه بینه، چاپ نهم.
۹. پیکا، ژرژ (۱۳۷۰)، جرم شناسی، ترجمه علی حسن نجفی ابرندآبادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۰. تاج زمان، دانش (۱۳۶۴)، مجرم کیست جرم شناسی چیست؟، موسسه کیهان.

۱۱. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ جدید.
۱۲. شامیاتی، هوشنگ (۱۳۸۸)، حقوق جزای عمومی، جلد دو، تهران، مجد.
۱۳. شامیاتی، هوشنگ (۱۳۸۴)، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر ژوبین، چاپ دوازدهم.
۱۴. صدر، محمدباقر (۱۳۶۴)، دروس فی علم الاصول، لبنان، دارالکتب لبنان، چاپ اول.
۱۵. عثمانی، احمد (۱۳۸۱)، مجموعه مقالات و سخنرانی های اولین همایش بین المللی بررسی راههای مجازات جایگزین حبس، تهران، انتشارات راه تربیت.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، العین، تحقیق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، قم، دارالهجره.
۱۷. فوکو، میشل (۱۳۷۹)، مراقبت و تنبیه تولد زندان، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاندیده، تهران، نشرنی.
۱۸. کریمی، عباس (۱۳۸۶)، آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول.
۱۹. کوشا، جعفر (۱۳۸۱)؛ جرایم علیه عدالت قضایی؛ تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۲۰. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴) بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ دوازدهم.
۲۱. گلدوست جویباری (۱۳۹۳)، رجبعلی، آیین دادرسی کیفری. تهران، جنگل.
۲۲. محمد پادشاه متخلص به شاه (۱۳۳۶)، فرهنگ آندراج، تهران، نشرخیام.
۲۳. محمدی، داود (۱۳۸۴)، مجازات های جایگزین ن، زنجان: عود.
۲۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ حمید هاشمی (۱۳۷۷)، دانشنامه جرم شناسی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۲۵. نوبها، رضا (۱۳۸۶)، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات گنج دانش.

ب) مقالات



۱. تدین، عباس، « نظارت الکترونیکی: گامی به سوی جایگزینهای زندان»، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، شماره ۶۴، پاییز ۱۳۸۷، صفحات ۵۵-۶۶.
۲. جعفری، مجتبی، « تعدد جرم و آثار آن در قانون جدید مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره دوم، شماره ۵، زمستان ۱۳۹۲، ص ۱۷۵.
۳. صالحی مقدم، امیر مهدی؛ بهرامی نژاد مغویی، علی، «بررسی مفاهیم مشابه با تجری در قانون مجازات اسلامی و رابطه تجری با حالت خطرناک»، فصلنامه علمی-پژوهشی فقه و تاریخ تمدن، سال یازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۴، صفحات ۴۶-۷۷.
۴. فضلی، مهدی؛ دارابی پناه، شهین، «تحلیل آثار حبس بر زندانیان زن در پرتو قوانین تقلید گاریل تارد»، مجله ی پژوهش های حقوق جزا و جرمشناسی، شماره ۷، ۱۳۹۵، صفحات ۵-۳۲.
۵. محمدنسل، غلامرضا « بررسی کاربردی تعلیق مجازات در حقوق جزا و رویه محاکم ایران»، مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۴، تابستان ۱۳۸۳، صفحات ۲۴۱-۲۵۸.
۶. میرخلیلی، سید محمود؛ یعقوبی، تقی، «بررسی عوامل قضایی افزایش جمعیت کیفری زندان ها»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و ششم، شماره ۸۲، بهار ۱۳۹۶، ص ۱۰۳.

۱. (ج) منابع لاتین

۲. duff.a.and garland.d,a reader on punishment/oxford press, ۱۹۹۴.
۳. 1998.torny-michael,crime and punishment/oxford press,

(د) منابع سایتی

۱. <http://www.mirkazemilawyer.ir/>